بسم الله الحمن الرحیم

آیا خدایی وجود دارد؟

آیا شرارت‌های موجود در زمین حاکی از عدم وجود خداست؟

اگر خدای رحیم و رحمان موجود است پس چرا شاهد این همه ظلم هستیم؟

پس چرا خدا کاری نمی‌کند؟ آیا او قدرت مقابله ندارد یا این‌که مهربان نیست یا این‌که اصلا نمی‌خواهد با شر مواجه شود؟

به راستی با وجود چنین ظلمی می‌توان گفت که خدایی وجود دارد؟

.....

قبل از هر چیزی باید بدانیم که این برهان از قدیمی‌ترین دلائل برای اثبات عدم وجود خداست که اولین بار توسط فیلسوف یونان باستان، اپیکورس، مطرح شد که بعدها توسط «دیوید هیوم» بسط و گسترش داده شد و از

دیرباز توسط خداباوران جواب‌های متعددی به این شبهه‌ی قدیمی داده شده که ما در این مقال اشارتی کوتاه به آن خواهیم داشت.

شر را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. شر اخلاقی که مستقیما در نتیجه‌ی عمل ناپسند انسانی به وجود می‌آید؛ مانند قتل و دزدی و غارت و تجاوز و غیره

۲. شر طبیعی مانند طوفان و سیل و بهمن و غیره

برهان شر اخلاقی

ملحد می‌پرسد خدای مهربان و رحیم شما چرا اجازه می‌دهد که به یک زن تجاوز شود؟

چرا اجازه می‌دهد که از یک خانه دزدی شود؟

چرا اجازه می‌دهد که یک بی‌گناه کشته شود؟

از ۴ حالت خارج نیست: یا خدا وجود ندارد یا اگر وجود دارد مهربان نیست یا اگر وجود دارد و مهربان هست قدرت جلوگیری از ظلم را ندارد و یا اگر قدرت دارد نمی‌خواهد با آن روبه‌رو شود، پس مهربان مطلق نیست.

نقد شبهات شر اخلاقی

با ذکر مقدمه‌ای می‌پردازیم به پاسخ تک تک شبهات:

با نگریستن به دور و بر خود درمی‌یابیم که این هستی خالقی در نهایت دقت و علم و حکمت و هوش خارق‌العاده دارد که بیانگر اوج قدرت و عظمت اوست.

حتی ملحدین ارجمند هم معترف نظم و ثبات دقیق هستند؛ حال ما می‌گوییم این نقش و نگار و نظم، خالقی دارد و دیگری می‌گوید خیر، این هستی از هیچ و خودبه‌خودی به وجود آمده است. بگذریم... با این مقدمه که خالق هستی دارای قدرت بی‌نهایت است و هیچ کاری را منافی حکمت و علم انجام نمی‌دهد می‌گوییم:

خدای عالم بعد از خلقت زمین و مهیا کردن شرائط زندگی برای جانداران، انسان را در آن ساکن فرمود و به این هستی قوانین و نظمی خاص بخشید و انسان را نیز دارای ویژگی‌هایی فرمود. یکی از ویژگی‌های فطری انسان عقل می‌باشد. الله متعال فطرتی پاک به انسان عطا فرمود تا به وسیله‌ی آن بتواند بدیهیات اخلاقی را درک کند. بعد از آن، الله متعال پیامبران را فرستاد که راه را برای آن‌ها روشن کند. انبیای الهی با آوردن پیام حق، به انسان، خوب و بد را

نشان دادند و آن‌ها را به سوی خیر و نیکی هدایت کردند و شرائط رشد و نمو فکری و فطری انسان‌ها را مهیا کردند و آن‌ها را از رفتن به سوی شر و بدی نهی کردند.

در این‌جا ما درمی‌یابیم که الله متعال، خیر و خوبی را برای ما خواستار است و ما را از ظلم و شر نهی کرده و به هر وسیله‌ای متوسل شده تا انسان از ظلم و پلیدی دوری کند و از این‌رو برای افرادی که وارد وادی ضلالت می‌شوند عقاب دنیوی و اخروی مقرر فرموده است.

حال باید به نکته‌ای دیگر اشاره کنیم و آن این است که الله متعال بعد از ارسال پیامبران و روشن شدن راه، انسان‌ها را بر سر دو راهی خیر و شر قرار داده و انسان‌ها را مختار آفریده که هر کدام را که می‌خواهند انتخاب کنند:

إنا هديناه السبيل إما شاكرا وَإما كفورا [الإنسان؛ ۳]

ترجمه: همانا ما راه را به او نشان دادیم خواه سپاسگزار باشد یا ناسپاس.

با ذکر این مقدمات برمی‌گردیم به اصل شبهات:

چرا خدا می‌گذارد ظلم شود؟!

آیا واقعا می‌تواند جلوی ظلم را بگیرد؟!

پس خدا وجود ندارد!!!

همان‌طور که گفتیم انسان موجودی است صاحب اختیار که خوب و بد را می‌تواند تشخیص دهد و از آن طرف انبیا به صورت صد در صد راه را برای او روشن کرده‌اند و از عاقبت کار خویش آگاه است.

خدای عالم در مورد انسان می‌فرماید: أأنتم أشد خلقا أم السماء بناها [النازعات؛ ۲۷]

ترجمه: آیا آفرینش شما (بعد از مرگ) سخت‌تر است یا آسمان که (خداوند) آن را بنا کرد؟

و با بیان این مثال الله می‌خواهد به ما نشان بدهد که انسان نسبت به کائنات، موجودی ضعیف است و وقتی ما می‌توانیم زمین و آسمان را خلق و کنترل کنیم پس کنترل انسانی به این ضعیفی کاریست ساده و هر انسان عاقلی می‌داند که انسان در برابر هستی هیچ عددی نیست، پس این‌که بگوییم که خداوند از پس انسان و اعمال او برنمی‌آید حرفی است دور از عقل و منطق!!!

اما اگر قرار باشد الله متعال در امور انسان‌ها دخالت مستقیم داشته باشد نوعی جبر حاکم می‌شود که دیگر انسان مکلف نخواهد بود، بلکه موجودی بی‌اختیار خواهد شد و انسان هر وقت بخواهد دچار گناهی شود باید خدای عالم فورا دخالت کند که این منافی اختیار انسان است و دیگر خوب و بد معنی ندارد. وانگهی باید خدای عالم در هر ظلمی

دخالت کند، از کوچک تا بزرگ، که این منافی برنامه‌ی الهی است و انسان تبدیل به موجودی صد در صد تحت جبر خواهد بود.

الله متعال در این مورد می‌فرماید: لو شاء الله لجعلكم أمة واحدة لكن ليبلوكم في مآ آتاكم فاستبقوا الخيرات إلى الله مرجعكم جميعا فينبئكم بما كنتم فيه تختلفون [المائدة؛ ۴۸]

ترجمه: اگر خدا می‌خواست همه‌ی شما را یک امت قرار می‌داد، ولی (خدا می‌خواهد) شما را در آنچه به شما داده است بیازماید، پس در نیکی‌ها بر یکدیگر پیشی گیرید، بازگشت همه‌ی شما به سوی خداست، آنگاه از آنچه در آن اختلاف می‌کردید به شما خبر می‌دهد.

حال ملحد می‌گوید اگر خدا وجود دارد پس مهربان نیست چون در برابر ظلم سکوت می‌کند!!

قبلا! اشاراتی داشتیم که خدای متعال راضی به ظلم نیست و بلکه انبیا را مأمور کرده تا ما را به سوی خیر دعوت کرده و از شر باز دارد؛ پس الله متعال در برابر ظلم سکوت نکرده است و به صورت واضح در جای‌جای قرآن، خشم خود را نسبت به ظلم و ظالمین ابراز کرده است:

والله لا يحب الظالمين [آل عمران؛ ۵۷]

ترجمه: و خداوند، ستمکاران را دوست نمی‌دارد.

و در جای‌جای کتب آسمانی خود، ظالمین را تهدید به عقاب کرده است و ما می‌دانیم که الله متعال آن‌ها را در روز قیامت سخت مجازات خواهد کرد و این دلیلی است واضح که الله متعال در برابر ظلم سکوت نکرده و قطعا آن‌ها را مجازات خواهد کرد و در این دنیا الله متعال مجازات‌های متعددی را برای افرادی که وارد ظلم و بغی می‌شوند مقرر فرموده است. مثلا اگر مردی به زنی تجاوز کند، حکومت اسلامی موظف است که به این جریان رسیدگی کند و این دستور الهی است، حال مجازات اخروی او جای خود دارد. پس الله متعال در برابر ظلم سکوت نکرده است.

حال ملحد شاید بگوید خب قبول کردیم که خدا وجود دارد و مهربان است ولی چون مستقیم وارد عمل نمی‌شود پس قدرت کافی را ندارد!!

اگر خواننده‌ی محترم به صورت دقیق نوشته‌های گذشته را بخواند، می‌فهمد که الله متعال به صورت مستقیم ظلم را محکوم کرده و در این دنیا قوانینی برای جلوگیری و مجازات آن مقرر فرموده است. به راستی چطور می‌توان تصور کرد که خدایی با این همه عظمت و بزرگی از مجازات انسانی ضعیف ناتوان باشد؟! پس از لحاظ عقلی و منطقی این اشکال وارد نیست ولی این‌که چرا مستقیم وارد نمی‌شود، باید بگوییم همان‌طور که قبلا اشاره کردیم این از وجود ضعف او نیست بلکه برای احترام به حق اختیار انسان است، وگرنه در دنیای آخرت قطعا انسان را مجازات سختی خواهد کرد. پس الله متعال قادر به دخالت مستقیم است ولی به دلایلی که گفته شد، این کار را انجام نمی‌دهد.

حال ملحد می‌گوید خب شاید خدا وجود دارد و مهربان و قدرتمند است ولی نمی‌خواهد با این شر روبه‌رو شود!!

جواب این شبه تکرار مکررات است چون واضح است که الله متعال بارها ظلم را محکوم کرده و عقاب دنیوی و اخروی برای آن مقرر کرده است، پس محال است که بگوییم الله متعال نمی‌خواهد با شر روبه‌رو شود.

پس در این قسمت بیان کردیم که الله متعال از ظلم نهی کرده و برای آن عقاب دنیوی و اخروی تعیین کرده است و بیان کردیم که عقلا محال است که بگوییم الله متعال قدرت جلوگیری از ظلم را ندارد بلکه به خاطر احترام به حق اختیار انسان و مکلف بودنش او را رها ساخته تا خوب و بد را تشخیص دهد که اگر به راه خیر و نیکی رفت، در دنیا و قیامت مأجور بوده و راه سعادت و کمال را می‌پیماید و اگر راه شقاوت و شر را انتخاب کند، در دنیا مجازات شده و در روز قیامت به سزای اعلام خود می‌رسد.

برهان شر طبیعی

چرا خدا می‌گذارد سیل و طوفان بیاید و بر اثر آن انسان‌های بی‌گناه کشته شود؟ پس خدای مهربان شما کجاست؟!!!

در اول این مقاله گفتیم که الله متعال نظم و قوانین خاصی به این هستی داده که دارای هیچ شکاف و کاستی نیست. از این‌رو الله در قرآن می‌فرماید: الذی خلق سبع سماوات طباقا ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل تری من فطور [الملک؛ ۳]

ترجمه: (آن) کس که هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید، در آفرینش (خدای) رحمان هیچ خلل و بی‌نظمی نمی‌بینی، باز چشم بگردان، آیا نقصانی (و شکافی) می‌بینی؟

از جمله این قوانین: قوانین فیزیک و زمین‌شناسی و غیره هستند.

مثلا ما می‌دانیم که اجسام وزن دارند و یا این‌که زمین دارای جاذبه است و بر اساس این قوانین اتفاقاتی دوروبر ما می‌افتد؛ مانند رابطه‌ی وزن و جاذبه و ارتفاع یا وزن اجسام نسبت به آب و غیره.

نقد شبهات شر طبیعی

حال برگردیم به جواب سؤال! چرا کودکی در آب غرق می‌شود؟ پس خدا کجاست؟

ما می‌دانیم هنگامی که جسمی در آب قرار می‌گیرد، به سطح آب فشار وارد می‌کند و آب نیز نیرویی به سمت مخالف به آن جسم وارد می‌کند (نیرویی که آب به جسم وارد می‌کند به سمت بالاست). اگر نیرویی که آب به جسم

وارد می‌کند از وزن آن بیشتر باشد، جسم روی آب معلق خواهد ماند و اگر نیرو کمتر باشد جسم در آب فرو خواهد رفت.

می‌دانیم که قوانین حاکم بر جهان هستی عامند و هیچ استثنایی در آن نیست. حال اگر یک سنگ را در آب بیندازیم هیچ فرقی با یک کودک ندارد و این قانون برای هر دوی آن‌ها یکی است. این نشان‌دهنده‌ی نظمی دقیق است که باعث می‌شود ما به جهان پیرامون خود اعتماد کامل کنیم. اگر قرار باشد یک سنگ را در آب بیندازیم و غرق شود ولی اگر کودکی را در آب بیندازیم غرق نشود، نوعی بی‌نظمی مطلق در هستی رخ می‌دهد که دیگر اعتماد بر قوانین هستی را مشکل می‌سازد. مثلا یک بار زمین جاذبه داشته باشد و بار دیگر خیر و یا یک بار سنگ در آب فرو رود و بار دیگر خیر!!!

قرار نیست الله متعال به خاطر یک حادثه، قوانین کلی و نظام هستی را تغییر دهد بلکه این قوانین برای هر چیزی قابل تعمیم است؛ حال آن شیء جاندار باشد یا بی‌جان!!!

حال مثالی دیگر می‌زنیم:

می‌دانیم که جاذبه زمین باعث سقوط اجسام از ارتفاع می‌شود و ما با اعتماد بر این قوانین بسیاری از امور دنیوی خود را تنظیم می‌کنیم. مثلا وقتی توپی را از بالای بامی پایین بیندازیم، آن توپ به زمین می‌خورد و ما بر این قانون اعتماد می‌کنیم. در صورتی که اگر قرار باشد در یک حالت جاذبه بر اجسام تأثیر بگذارد و در حالتی دیگر تأثیر نگذارد، نوعی بی‌نظمی و بی‌اعتمادی حاصل می‌شود.

خدای عالم به ما انسان‌ها عقل داده است و ما مسئول کارهای خود هستیم. مثلا می‌توانیم از بچه مراقبت کنیم تا غرق نشود یا نگذاریم بچه‌ای از پشت بام بیافتد و الی آخر. پس بی‌توجهی خود را نباید به الله نسبت بدهیم!!!

وانگهی کسی که معتقد به معاد است، قطعا مرگ یک کودک یا یک گروه که بر اثر سیل کشته شده‌اند را ظلم نمی‌داند، چون قطعا هر انسانی خواهد مرد ولی هر کدام به طریقه‌ای!!!

چطور کسی که مست است و تصادف می‌کند و می‌میرد به او ظلم نشده، ولی مرگ کسی که بر اثر سیل فوت شده است، ظلم است؟!!

اگر قرار باشد ذات فوت شدن ظلم باشد پس نباید در این‌صورت هیچ‌کس بمیرد و باید همگی جاودانه باشیم که چنین چیزی دور از عقل و منطق است.

پس مرگ و میر بر اثر سوانح طبیعی که حاصل نظم دقیق هستی است، به هیچ عنوان ظلم نیست، بلکه برهانی است قوی بر وجود الله که آن را برهان نظم می‌نامیم، که در مقاله‌ای دیگر به صورت مفصل به آن خواهیم پرداخت.

در پایان می‌گوییم که ای خواهر و برادر مسلمان!

کسی که اعتقاد به وجود خدایی قدرتمند و توانا دارد، هیچ‌گاه اعمال خود را بر دوش وی نمی‌گذارد بلکه می‌گوید الله به من عقل داده و باید خوب و بد را خودم تشخیص دهم. من خودم شر را نصیب خود کردم و الله به این راضی نیست! پس خودت را ملامت کن نه این‌که در وجود خالقت شک کنی!!

و باز بدان ای خواهر و برادر عزیز که مرگ و میر ظلم نیست بلکه پله‌ای است برای رسیدن به منزل ابدیت که در آنجا به کمال مطلق می‌رسیم. پس به جای کارشکنی و اتباع هوی، به دنبال اوامر الله باشیم که قطعا از آن سود خواهیم برد.

و اما شما ای ملحد گرامی!

به جای پرداختن به شبهات پوچ و واهی و دنباله‌روی از انسان‌های مریض‌القلب، سعی کن بیشتر خود را مقید به اخلاق پسندیده کنی و آن‌وقت است که می‌فهمی که این دنیا فقط مادیات و نفع مادی نیست! بلکه چیزی ماورای آن‌ها نیز وجود دارد. می‌فهمی که انسان می‌تواند برای دیگران گذشت و ایثار کند. فقط با اعتقاد به وجود خالق و روز معاد است که ایثار و شجاعت و فداکاری و ازخودگذشتگی معنا پیدا می‌کند. پس بیندیش و به قلبت رجوع کن.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته